



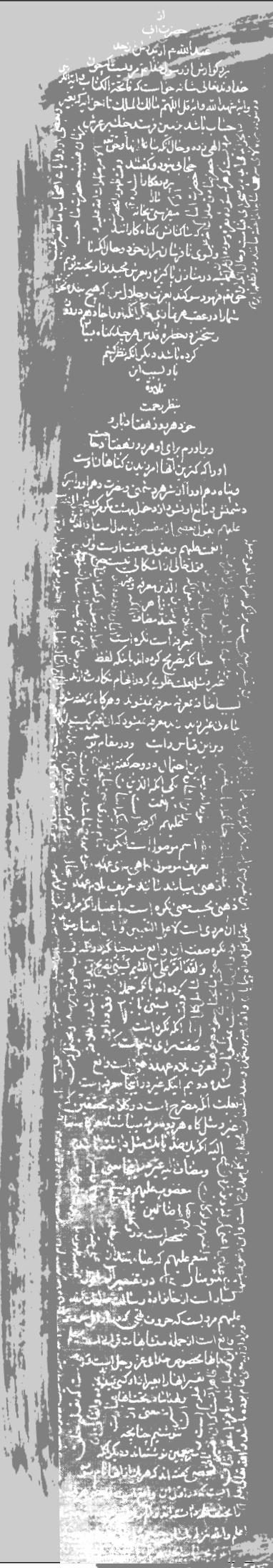
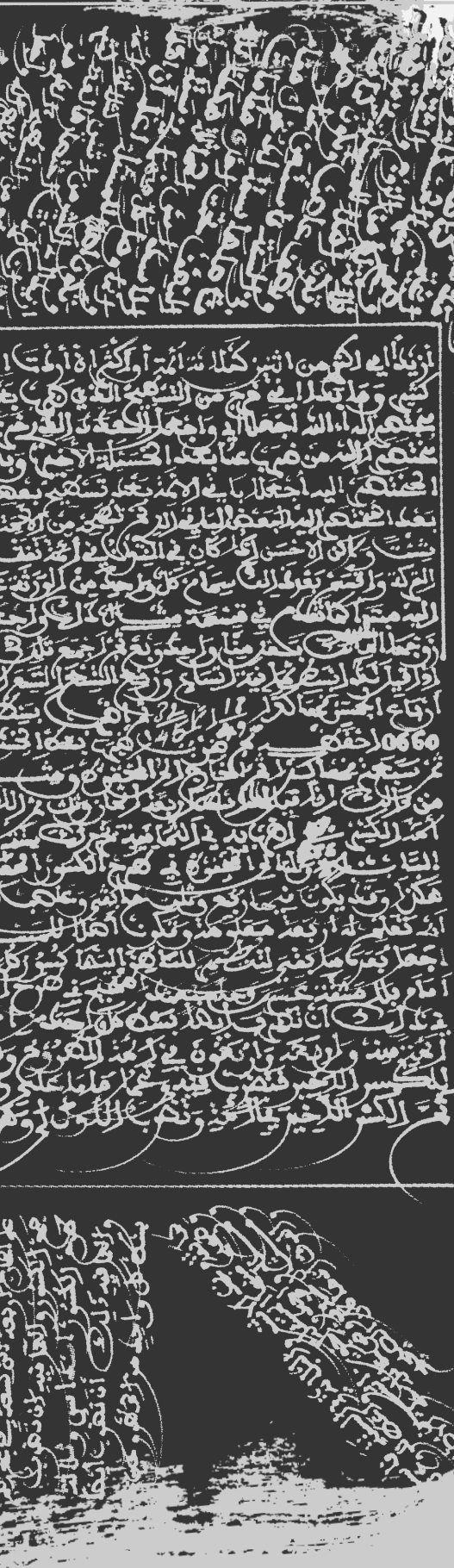
# کاتبان قرآن

Qur'an Scribes  
Oxford University, London  
Reprinted, 2000

زبان به وجود آمده است تا ارزشمندترین و گرانبهارترین هنر بشری باشد. از زمان حضرت محمد(ص) که زبان عربی با اسلام پیوند خورد و از زمانی که قرآن برای نخستین بار به تحریر درآمد، نقشی عمده در تکامل و توسعه خط عربی داشته و در این میان خوشنویسی در جهان اسلام از جایگاه والایی برخوردار شده است.

در میان مسلمانان، خوشنویسی بیانگر میراث ادبی زبان عربی است که با تلاش کاتبان مسلمان، هنری سرشار از زیبایی را ارائه داده است. شناخت و فهم خوشنویسی نیاز به چشم بصیرت دارد چرا که جاذبه‌های خوشنویسی آشکارا به بیننده‌ی ناهشیار نشان داده نمی‌شود. بنابراین به نظر می‌رسد احترام نسبت به کتابت در فرهنگ اسلامی همواره می‌بایست زنده بماند.

استادی در خوشنویسی، نه تنها نیازمند توسعه‌ی مهارت فنی است، بلکه نیازمند تعهد و اخلاق و شخصیت خطاط است. چنان چه در آثار خوشنویسان عثمانی از جمله در کتاب «تحفه خوشنویسان» اثر مستقیم‌زاده (سلیمان سالدین افندی، متوفی ۱۷۸۷) در سال ۱۷۵۹ به چشم می‌خورد. مستقیم‌زاده با سادگی و بدون استفاده از واژه‌های نامتعارف و نامفهوم می‌نوشت. وی خوشنویسی را نوعی کارآمدی و توانایی عقلی و اخلاقی می‌دانست. چنان که در مورد صفات خوشنویس معتقد است که یک خوشنویس باید از خلق و خوی و روحیه‌ای پاک برخوردار باشد. در واقع خوشنویسی یک ابزار اخلاقی است که متأسفانه امروزه توجهی جدی به این ویژگی‌ها





می‌گوید: دلیل محتاط بودن و خاموش بودن شیخ، این بود که نمی‌خواست دیگران هم آن را بدانند به جز برای کسانی که وی دوست داشت این رمز را - که برای تبیین حکمت در ورای زبان لازم بود - به آنها بگوید.

همین نکته بود که اسرار این خطوط را بیشتر می‌کرد. ابن بواب در سخنان

خود، اشارات و حرکات اصلی و غایبی سخاوت را براساس یک طرح ساده‌ی روان‌شناختی ارائه می‌کرد. وی علاقه و پشتکار شاگرد را با دریغ کردن دانش از او برمی‌انگیخت.

در نزد خوشنویس مسلمان روش و اصول ادغام می‌شوند تا یک روش زندگی هنری و آموزشی را شکل دهند. این شیوه دو پیامد متمایز دارد: یک جنبه‌ی معنایی که نقش یا وظیفه کلمات نوشته شده را بازگو می‌کند و نقش دوم خطی است که این کلمات بدان نوشته می‌شوند. این دو ممکن است از نظر برتری ذاتی با هم متفاوت باشند، اما همین که با یکدیگر ادغام می‌شوند، توانایی خوشنویسان مسلمان را پایه‌گذاری می‌کنند.

نمونه‌های موجود در این اثر بیشتر براساس منطقه جغرافیایی و دوران تاریخی تنظیم نشده‌اند، بلکه براساس درون مایه‌شان سازمان‌دهی شده‌اند.

فصل اول کتاب کاتبان قرآن، به آموزش و تعلیم فنون خوشنویسی پرداخته و نمونه‌هایی از مفردات، رسم‌المشق‌ها و... ارائه می‌شود. در فصل دوم کتاب‌ها و آثار مربوط به خوشنویسی و حتی آثار خوشنویسانی که تبحر چندانی نیز نداشته‌اند معرفی می‌شوند که به صورت آلبوم مرقعات / لوح‌ها و... گردآوری شده‌اند. در این فصل حلیه‌ها نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در فصل آخر نیز به حوزه‌های تخصصی تر خط و خوشنویسی توجه شده و به خط‌های غبار یا مینیاتوری، رقاع و... پرداخته شده است.

اما درباره درک و شناخت معنای برکت (عنایت خیرخواهانه)، مستقیم‌زاده، در کتابش به چگونگی بهره‌مندی شاگرد از این عنایت اشاره می‌کند. وی می‌گوید شاگردی که در پی رسیدن به کمال است، باید پیش از شروع به خوشنویسی از صمیم قلب در پی عنایت استادش باشد

و سوره الفاتحه را بخواند و سپس سرمشق‌های استادش را مرور کند و آن گاه به خوشنویسی بپردازد که در نتیجه به خیر و برکت نیز نائل می‌شود. وی معتقد بود که برای این کار ابتدا باید قلمی نو را تیز و باریک کرد و نوک آن را برای خط ثلث تراشید و قلمی دیگر را برای خط نسخ. حال این قلم نو را باید در ورقه‌ای کاغذی قرار داد و با عبادت و استغفار آن را در زمینی به عمق دو انگشت در نزدیکی قبر استاد دفن کرد. این کار باید در شب جمعه صورت گیرد و یک هفته نیز به طول بیانجامد و سپس در همان زمانی که دفن شده آن را خارج ساخت. در ابتدا شاگرد باید تنها یک خط از تکلیف استاد را با این قلم بنویسد، که این کار در جهت نیل به خیر و برکت استاد است و بعد می‌تواند تکلیف را با قلم دیگری انجام دهد.

گفتنی است یکی از مراحل مهم در امر خوشنویسی تراشیدن سرقلم بود، کاری پرمز و راز. در سخنان ابن رومی (متوفی ۸۹۷) آمده است که: «حکم الهی چنین است، که هرگاه قلم تراشیده شود و نوک آن تیز گردد، شمشیر را

در واقع از آنجایی که تراشیدن سرقلم، سبک خط را مشخص می‌کرد، یکی از رموز خوشنویسی به حساب می‌آمد. ابن بواب نیز در شعر معروفش که در آن هربیت به لفظ راع ختم می‌شود، می‌گوید:

درباره‌ی فن تراشیدن سر قلم حریص مباش! من اختلافات جزیبی‌اش را نیز فاش نخواهم کرد و اسرارش را برای همیشه محفوظ خواهم داشت.

ابن وحید، خوشنویس سوری قرن سیزدهم نیز در مورد این شعر